



مرفه و انسانی، جامعه ای به دور از فقر و تبعیض و نابرابری، جامعه ای سعادتمند، آزاد و شاد باشد، نوروز را به تک تک شما عزیزان تبریک میگویم.

زنده باد آزادی، زنده باد برابری  
آذر مدرسی دبیر کمیته مرکزی  
حزب حکمتیست (خط رسمی)  
۲۷ اسفند ۱۳۹۷

## مردم آزاده ایران

پیام آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب بمناسبت  
فرا رسیدن سال نو

مرگ برای سران نظام بود. به یمن همین پیشروی ها، امروز بیشتر از هر زمانی آینده روشن، آینده ای برابر، آزاد، سعادتمند، آینده ای امن، مرفه و انسانی، به نیروی قدرت خود از پایین، ممکن و نزدیک است. سال ۹۸ میتواند و باید سال به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، سال پایان دادن به چهل سال حاکمیت چهل و فقر و سرمایه در ایران بدست و به قدرت ما باشد. با امید به اینکه سال ۹۸ سال ساختن جامعه ای آزاد، برابر،

از طرف رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) سال نو را از صمیم قلب به شما تبریک میگویم. در شرایطی که از نظر معیشتی و اقتصادی سال بسیار سخت و مصیبت باری را پشت سر میگذاریم و حاکمیت هر روز وعده کوچک و کوچک تر کردن سفره اکثریت محروم را میدهد، سال دیگری را آغاز میکنیم. سال گذشته اما تنها تحمل بار مصائب معیشتی و زیستی و سرکوب ها نبود، بعلاوه و مهمتر سال قدرت نمایی ما، محکومین و محرومین، هم بود! سالی را که پشت سر گذاشتیم، سالی متفاوت از سالهای دیگر بود! سال قدرت نمایی ما و بی قدرتی حاکمیت در ساکت نگاه داشتن ما، سال به لرزه در آوردن پایه های نظام ارتجاعی و ضد بشری حاکم در ایران، سال امید به آینده ای آزاد و برابر! سال ۹۷ برای ما اکثریت این جامعه سال عروج جنبش رادیکال و عدالتخواهانه برای پایان دادن به نظم موجود بود. سال عرض اندام قدرتمند طبقه کارگر برای به پیروزی رساندن این جنبش با پرچم و آترناتیو انقلابی خود برای آینده ای آزاد، انسانی و برابر بود. سال ۹۷ سال عزم جرم زنان و مردان آزادیخواه برای پایان دادن به آپارتاید جنسی، به فقر، به حاکمیت مذهبی، به نا امنی، به سرکوب و دیکتاتوری به قدرت و توان خود بود. سال ۹۷ برای ما سال امید، اعتماد و خوش بینی به آینده و سال هراس و کابوس

## صدایی به وسعت ایران

در حاشیه زندانیان هفت تپه و فولاد  
خالد حاج محمدی



سال نو در شرایطی آغاز میشود که اسماعیل بخشی چهره خوشنام جنبش کارگری ایران و نماینده کارگران هفت تپه، به جرم عدالتخواهی در زندان است. سپیده قلیان دختر جوانی که در قلب میلیونها انسان جایی گرفته است، به جرم حمایت از هفت تپه ای ها هنوز زندان است. ساناز الهیاری، امیر حسین محمدی فرد و امیر امیر قلی، اعضا تحریریه نشریه گام به جرم انتشار اخبار مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد، هنوز در زندانند. بعلاوه دهها و صدها نفر از کارگران و فعالین آنها، معلمین، دانشجویان، زنان، فعالین محیط زیست، فعالین اجتماعی در عرصه های مختلف، به جرم مخالفت با بردگی و اعتراض به بی حقوقی زندانند.

این عزیزان اسرای ما مردمی هستند که برای رفاه و آزادی و برای تامین یک زندگی انسانی هر روز از گوشه ای صدایمان را یکی کرده و خواست آزادی اسرای خود را بانگ میزنیم. آری هر روز در گوشه ای از ایران صدای اعتراض طبقه کارگر و استثمار شدگان این جامعه، علیه استبداد و در دفاع از اسرای خود شنیده میشود. صفحه ۳

## حکمتیست ۲۴۹

۱۸ مارس ۲۰۱۹ - ۲۷ اسفند ۱۳۹۷  
دوشنبه ها منتشر میشود

**حمله تروریستی در نیوزیلند و  
کشتار مردم بیگناه محکوم است**  
اطلاعیه حزب حکمتیست - خط رسمی ص ۴

**کولاک گرانی و فقر!  
پیش از سقوط باید کاری کرد**  
ثریا شهبابی

گرانی، بیکاری، دستمزدهای معوقه و دورنمای هرروز بد و بدتر شدن وضعیت معیشتی ۹۰ درصد مردم! رسیدن قدم به قدم و لحظه به لحظه سلامت، خورد و خوراک و مسکن و مدرسه و بهداشت خود و همه اعضا خانواده، پیر و جوان، کودک و بزرگسال به لبه پرتگاه سقوط، از یک طرف! و از طرف دیگر اعتراض ها و تجمعات و اعتصاب ها و تظاهرات های مداوم و هرروزه طبقه کارگر، معلمان، بازنشستگان، زنان، و محرومین در سراسر ایران که حتی یک روز هم خاموش نمی شود! همه و همه گویای شرایط بحرانی است که دو طرف تخصمی سرنوشت ساز در ایران، حاکمین و محکومین، را به "چاره جویی" فوری، از زاویه منافع خود، کشانده است. اخبار خودکشی ها از سر فقر و نداری، اعتراضات هر روزه محرومین و طبقه کارگر برای گرفتن دستمزد پرداخت نشده و ناامنی شغلی و بیکارسازی های وسیع تر، حذف قلم به قلم اصلی ترین مایحتاج زندگی از سفره اکثریت جامعه، امروز گوشت و آجیل سال نو و برنج و فردا نان و داور و همه مواد اولیه مورد نیاز زندگی، فضای محافظه کار ترین رسانه های رسمی و جامعه را اشباع کرده است. این تصویر ایران به نقل از مراجع رسمی، مسئولین و نهادهای حاکم است:  
× رئیس کمیسیون تخصصی طلا و جواهر اتاق اصناف گفت: شوک قیمتی امسال باعث افزایش ۲۸۰ درصدی قیمتها در طی یک سال گذشته شد که در نوع خود بیسابقه بوده است.  
× حیوانات؛ جانشین گوشت در سفره های مردم ... ص ۲

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## کولاک گرانی...

× سعید نمکی، وزیر بهداشت پیشبینی کرده که قیمت دارو در سال ۱۳۹۸، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش خواهد.

× ۸۰ درصد جامعه زیر خط فقر زندگی میکنند.

× مرکز آمار ایران نرخ تورم را ۳۹٫۶ درصد اعلام کرده است. برخی مدعیاند این آمار غیرواقعی است و تورم واقعی را باید در سفره ایرانیها مشاهده کرد تا جایی که جای خارجی، رب گوجه فرنگی و برنج داخلی، البته بعد از گوشت قرمز و مرغ، صدرنشین افزایش قیمتها شدهاند.

× منتظر افزایش ۱۰۰ درصدی قیمتها باشیم!

× دبیرکل کانون انجمنهای صنایع غذایی ایران، هشدار داد که پرداخت ارز دولتی به چند قلم کالا مانند ذرت، جو، دانه روغنی و ... باعث جلوگیری از افزایش قیمتها نخواهد شد. او همچنین از افزایش حداقل صد درصدی قیمت محصولات غذایی خبر داده بود؛ آنچه امروز خانوادهها در سفره خود میبینند.

× "رانت" ها و ارز دولتی داده شده توسط دولت به بنگاه های اقتصادی و سرمایه داران، برای واردت کردن مواد غذایی و نیاز های مصرفی مردم، تنها و تنها به امواج جدید احتکار، اختلاس های نجومی دامن زده است. به جای رفع نیازهای مردم، به صف احتکارگران و اختلاس گران افزوده شده است.

× بانک مرکزی از "افزایش قیمت شش گروه" کالایی از جمله گوشت مرغ تازه خبر داده بود و اعلام شده است که، "سیاست توزیع گوشت جواب نداد" × "افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی حقوق معلمان" بدون در نظر گرفتن نرخ تورم!

× رئیس کمیته مزد کانون عالی شوراهای این وضعیت را "اقتصاد پاندولی" میخواند و پیشبینی میکند که این کاهش قدرت خرید مزد یا بیارزش شدن دستمزد نیروی کار، "حالا حالاها" ماندگار باشد.

× حدود نود درصد جامعه تحت خطر سقوط به دره فقر مطلق و گرسنگی است! × خطر انفجار و شورش های دیگری از جنس خیزش دیماه سال گذشته، بالای

سر جامعه در پرواز است!

لازم به افشا کردن و افشاگری نیست. مسئول پس از مسئول، وزیر بعد از وزیر و مقام بعد از مقام، مرتب وعده بد تر شدن، گران تر شدن دارو و مواد غذایی و همه کالاهای مصرفی، میدهند.

هرروز صدای فریاد علیه فقر و اختلاس صدها میلیاردی قشر انگلی دزدان و اختلاس گران، که همگی و تماما پشت به حاکمیت و نظام داده اند، بلند و بلند تر میشود! قشر اختلاس گر و انگلی پایه پای رشد فقر و گرانی، فربه و فربه تر میشود! در مقابل اعتراضاتی که سراسر ایران را گرفته است، حتی کمترین وعده ای وجود ندارد! افزایش دستمزها چقدر! و تا کی؟! امروز به فردا قیمت مایحتاج مردم با نرخ نجومی بالا و بالا تر میرود! ۱۰ درصد! ۲۰ درصد! ۵۰ درصد! ۱۰۰ درصد! نرخ امروز فردا کهنه شده است. بحث افزایش دستمزد ها، به سخره گرفتن زندگی میلیون ها نفری است که برای تامین نان امروز و فردای سفره شان با فقر و گرانی دست و پنجه نرم میکنند.

از جانب حکومت جوابی نیست! جیره بندی ممکن نیست! چرا که پول و کالا فراوان است! صف اختلاس گران و اقلام نجومی که برخی از آنها هرروز از این گوشه و آن گوشه خبرش به رسانه ها میرسد، گویای واقعیت وفوری است که هست، اما دست مردم به آن نمی رسد. صف دشمن در حاکمیت، هیچ جوابی ندارد! اختلاس و دزدی طی چهل سال گذشته جزء انگره فربه شدن اقتصاد سرمایه در ایران بوده است! کارکرد سرمایه دارنه اقتصادی در ایران، بدون اختلاس و دزدی نجومی، "شروع" و "نامشروع" ممکن نیست. این دورنما، هراس انگیز است! این دورنما، از یک طرف توصیه به تسلیم و از طرف دیگر شورش کور و طغیان گرسنگان را، نشان میدهد. اگر نیروی آگاه و متشکل و متحد جنبش های پیشرو، بخصوص جنبش کارگری راه کاری پیش پا نگذارد. توصیه به تسلیم، آنهم به ضرب زور و امید و ناامیدی نسبت به شکاف با آمریکا، تکیه زدن به اینکه "همه چیز تقصیر تحریم ها

است" برای خریدن وقت، امید بستن به اقدامات و تحرکات میلیتاریستی رقبای منطقه ای، امید بستن به تشدید تحریمها برای فشار به جمهوری اسلامی، یا در انتظار شورش خودبخودی بودن، امید به مرگ خامنه ای و کودتا و تغییر از درون حکومت، که جز سرکوب و فشار بیشتر و تیره تر شدن اوضاع را بدنبال ندارد، نمی تواند راه کار و دورنما و افق هیچ جریان جدی خواهان آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و تغییر باشد. برای چپ و کمونیسم و رهبران کارگری که این حقایق را میدانند، و راه حل دارند و میتوانند ورق را برگردانند، دورنما، نه استیصال و شورش کور، نه در انتظار قدرتهای امپریالیستی و شکاف های بین المللی و منطقه ای نشستن، که تحرک و تغییر و پیشروی آگاهانه و نقشه مند، برای پایان دادن قطعی به این فلاکت، است. چه باید کرد؟ منتظر رفع تحریم ها شد؟ و نسل پس از نسل دیگر فقر و بی حقوقی را تحمل کرد؟ مگر برگزاری جشن "برجام" و "باد در غیب انداختن" های جناب وزیر خارجه و روحانی و مقام معظم، نانی به سفره محرومین اضافه کرد؟ نمی توان منتظر "عدالت نظام" که نتیجه اش همین محصولات چهل سال در قدرت است، ماند و به امید رسیدگی دستگاههای فاسد برای مفساد علنی شده و محتکرین، ماند. محتکر دیروز مهار میشود، انواع جدید آن با رانت و ارز دولتی متولد میشود! این بخش انگلی نظام امروز و هرروز فربه و فربه تر میشوند! ارز دولتی برای وارد کردن میگیرند و میلیارد میلیارد به جیب میزنند! این واقعیت نظام اقتصادی و سیاسی ایران است که در شکاف ها و زیر میزی و بازار سیاه فربه شده است و هر روز به قیمت فقر و محرومیت اکثریت جامعه، فربه تر میشود. راه نجات نظام، در مقابل خطر شورش گرسنگان، سرمایه گذاری از یک طرف بر روی شکاف های بین المللی در جهان و در منطقه و میلیتاریسم است و از طرف دیگر امید به سکوت و تمکین کشاندن بیش از ۹۰ درصد جامعه از هراس آینده ای سیاه تر و فلاکت زده تر!

سران این نظام به امید خفه کردن صدای اعتراض طبقه کارگر صنعتی، معلمان و بازنشستگان و میلیون ها میلیون نفر از اقشار فرودست، زنده اند! بعلاوه امید دامن زدن به تفرقه قومی و مذهبی و ایجاد شکاف بین مردم در استانهای مختلف و ایجاد جدایی های قومی و مذهبی و فرقه ای و زبانی و فرهنگی، یک رکن بقا نظام است. ایجاد و دامن زدن به شکاف، بین مردمی که همبستگی سراسری یک رکن فعل و انفعال سیاسی شان در سالهای اخیر بوده است، گریزگاه حکومت از این بحران است. همبستگی که تا به امروز تحرکات قوم پرستان و تفرقه مذهبی را عقب زده است. زلزله دوسال گذشته در غرب کشور، کمک رسانی مردمی از سراسر کشور و علیرغم مقابله رژیم با آن، حمایت سراسری مردم از مبارزات طبقه کارگر در سال گذشته و در سال جاری در جنوب و در سراسر ایران، نمونه هایی از این اتحاد و همبستگی در عمق جامعه است. همبستگی و اتحادی که بدنبال مبارزات اخیر فولاد و هفت تپه، کارگر صنعتی را لولای ایجاد آن کرده است. میلیتاریسم، استفاده از شکاف های منطقه ای و بین المللی، دمیدن در باد ناسیونالیسم و دامن زدن به شکاف و تفرقه های قومی و ملی و مذهبی، در کنار سرکوب و دستگیری فعالین و سازماندهندگان و رهبران اعتراضات کارگری و مردمی، راه چاره حاکمیت برای عبور از این شرایط بحرانی است. اما محرومین چه کنند! مردم چگونه میتوانند ورق را برگردانند و از پیشروی های یک سال گذشته خود، سکوی پیروز سازند. این کار رهبران عملی، کارگران رادیکال سوسیالیست، فعالین چپ و سوسیالیست در جنبش های اجتماعی، زنان، معلمان، بازنشستگان و همه اقشار تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. این کار جنبش محرومان است که طبقه کارگر صنعتی در ایران، نشان داده است که اشتهای و توان رهبری آن را دارد. آیا باید تا سرنگونی جمهوری اسلامی منتظر شد؟ منتظر انفجار ها و شورش گرسنگان شد؟ بی

تردید این نمی تواند کار هیچ جریان پیشروی باشد. دنباله روی از رویدادهای نمی تواند راه حل یک جریان فعال و با افق روشن و پیشرو باشد. سوال این است که چگونه به قدرت و نیروی خود، حاکمیت را همین امروز مجبور به شل کردن سر کیسه و پاسخ به معاش و زندگی میلیون ها نفر کرد. نمی توان تا سرنگونی این جانوران، گرسنگی کشید. نمی توان تا به رحم آمدن دل انگل های حاکم، از نان و گوشت و دارو و سلامت خانواده زده! نمی توان تا انفجار فقر و گرسنگی منتظر ماند. کدام مقام و مرتبه در سپاه و دم و دستگاه حاکمیت و در وزارت خانه ها و سلسله مراتب نهادهای اسلامی حاکم و نهادهای مالی و نظامی و حکومتی، شش ماه عدم پرداخت حقوق های نجومی را تجربه کرده اند که امروز از مردم میخواهند در انتظار بدتر شدن اوضاع باشند. باید اعلام کرد که دزدی قانونی و غیر قانونی نداریم! دزدی های قانونی را باید حسابرسی کرد و از حلقوم شان درآورد. اگر اوضاع کشور بحرانی است و تحریمها کمر اقتصاد مملکت را شکسته، قبل از هر نهاد و بخشی حاکمین مسئول اند. باید مخارج دم و دستگاه سرکوب و میلیتاریسم و دستگاههای مذهبی را قطع کرد. باید حقوق نمایندگان مجلس و وزار و مقامات و نهادهای حاکمیت و .... را حسابرسی کرد و آنرا معادل حقوق یک کارگر متوسط کرد. میلیاردها تومانی که از این راه بدست می آید را میتوان و باید صرف رفع نیازهای اولیه مردم، خرج داور و مسکن مردم کرد. باید همه راههای فرار را به حاکمین بست. بی تردید سازماندهندگان و رهبران عملی اعتراضات و مبارزات، خود راه و شیوه رفتن و شیفت از بستر اعتراض، به بستر قدرت نمایی برای بیرون کشیدن منابع از حلقوم حاکمیت را میتوانند پیدا کنند. مسئله این است که فریاد رسی نیست!

فریاد رس خود محرومین تحت رهبری کارگر کمونیست، زن سوسیالیست و جوان چپ و کمونیست اند. باید تا دیر نشده است، دست بکار شد!

مرک بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم



## گرامی باد ۱۸ مارس سالروز کمون پاریس

”چیزی که طبقه کارگر از کمون پاریس و همچنین بتدریج یاد گرفت و بعداً در انقلاب اکتبر به کار برد و امروز هم به درد ما می خورد، این است که مردم و جامعه یک کلیت واحد نیست. در جامعه، بورژوازی به یک طرف می رود علیه طبقه کارگر اسلحه بکار میبرد، خرده بورژوازی مردود و متزلزل مرتب می شکند، بخشی از آن به بورژوازی ملحق می شود و علیه طبقه کارگر اسلحه بر می دارد و بخشی دیگر به طبقه کارگر می پیوندد. کمون پاریس چشم طبقه کارگر را به این واقعیت مارکسیستی باز کرد که مقوله پایداری بنام ”مردم“ بطور کلی نداریم. جامعه طبقاتی است. مردم در مقاطع مختلف بر اساس فصل مشترک خواستههای جنبش های طبقاتی به حرکت در می آیند. اما برادری بورژوازی و طبقه کارگر یک امر نا ممکن است. طبقه کارگر وقتی به قدرت می رسد باید ماشین دولتی را درهم بشکند، نمی تواند سوار ماشین موجود بشود. باید دستگاه دولتی را تصرف کند. باید این ماشین را علیه بورژوازی و ضد انقلاب با قدرت بکار گیرد و باید دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر سازد. این درس اساسی کمون است. کمون پاریس تا نیمه راه رفت. ارتش را منحل اعلام کرد تسلیح همگانی را آورد. اما در نهایت، بورژوازی فرانسه، با کمک دهقانانی که ارتش اش را تشکیل میدادند همراه با ارتش پروس پاریس را به توپ بستند و کمون را شکست دادند.

کمون نشان داد که بورژوازی در مقابل طبقه کارگر و زحمتکشانی که برای یک دنیای آزاد و برابر برخاسته اند، منفعت طبقاتی خود را ترجیح می دهد و حاضر است با هر کسی و با هر بورژوای کشور بغل دستی اش متحد شود.“

کوروش مدرسی

داستان عهد بستن به تلاشی همه جانبه تر در سال آتی و برای کسب پیروزیهای بیشتر و مبارزات ما با قدرت متحد خود خواهد بود.

بگذار حاکمان بر ایران برخورد بلرزد، جنبش عدالتخواهی طبقه کارگر ایران در تلاش است با قامت بلند و روی پای خود به میدان بیاید. این جنبش با هر قدم به پیش خود، صدها رهبر لایق و کاردان، صدها اسماعیل بخشی و سپیده قلیان ها را به جامعه معرفی خواهد کرد و درب سیاهچال های دژخیمان را باز خواهد کرد. آنزمان پرونده چهل سال جنایت و توحش را در مقابل جهانیان به نمایش خواهد گذاشت. بدون شک بشریت بر آنچه به مردم ایران، به طبقه کارگر و زن و جوان و همه آزادیخواهان گذشته است، خواهد گریست.

جامعه ایران آبستن تحولاتی آزادیخواهانه است و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر ایران از هیچگونه تلاشی برای آزادی اسرای خود کوتاهی نخواهد کرد. بخشی ها و قلیانها اسرای یک طبقه بزرگ به وسعت جامعه ایران در نزد حاکمین هستند. هر روز مانند بیشتر این عزیزان و همه مدافعان هفت تپه و فولاد در زندان و همه زندانیان سیاسی در زندانهای ایران، پرونده پر از جنایت حاکمین را سنگین تر خواهد کرد.

امسال در سراسر ایران در کنار اسماعیل بخشی ها و سپیده قلیانها و همه عزیزان در بند و خانواده های آنها خواهیم بود. صدای اعتراض آنها صدای یک طبقه به وسعت ایران است، این صدا را هر چه رساتر فریاد خواهیم زد.

ها و هفت تپه ای ها را به زانو در آورند که بعلاوه درس عبرتی به کل طبقه کارگر ایران و هر انسان عدالتخواه و برابری طلب بدهند. اما صدای حق طلبی این طبقه و کل مردم عدالتخواه ایران، هر روز رسا و رساتر میشود. شاهدیم که دامنه عدالتخواهی کارگری همه مرزهای سانسور و دیوارهای بلند اختناق حاکم را در هم شکسته است و پایه های ارتجاع چهل ساله ایران را به لرزه در آورده است.

سالی که گذشت سالی پر از جدال میان حاکمین و مردم آزادیخواه ایران بود. کارگران هفت تپه و فولاد در این سال پیشقراولان طبقه کارگر ایران در دفاع از حقوق کل این طبقه و در دفاع حرمت و کرامت همه انسانها در آن جامعه بودند. با گذشت هر روز و ماندن اسماعیل ها در زندان و اخراج میثم آل مهدی ها از کار و ادامه تهدیدها و پرونده سازی علیه فعالین این دو مرکز و حامیان آنها، دامنه نفرت و بیزاری از حاکمین بیشتر و بیشتر میشود. بی تردید در همه مراسمهای سال نو امسال، داستان هفت تپه و فولاد و فعالین آنها، داستان بخشی ها و قلیانها، داستان استقامت و شهامت و از خود گذشتگی فولادی ها و هفت تپه ای ها و مبارزات متحد این دوره آنها، داستان به میدان آمدن و متحد شدن، داستان استقامت و مبارزه کردن و داستان ضرورت و تجلیل برای برآورده کردن آرزوی کودکان پارک دولت دزفول نقل همه محافل و جمعها خواهد بود. داستان سرسال هر خانواده کارگری و هر جمع و محفل از اقدار محروم جامعه ایران داستان پیروزی های سال گذشته و

صدایی به وسعت ...

صدایی به وسعت جامعه از کارگران هفت تپه و فولاد، تا بازنشستگان، معلمین، دانشجویان تا خانواده زندانیان و کودکان آنها. آنچه در دزفول از جانب کودکان خردسال در پارک دولت اتفاق افتاد و خواست آزادی سپیده قلیان بر ”بالتهای آرزوی“ شان نوشته و به هوا رفت، صدا و خواست دهها میلیون انسان به وسعت ایران است. تجمع هر روزه خانواده اسماعیل بخشی و رفقاییش در هفت تپه، برای آزادی او صدای یک طبقه از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب است. این صدایی از اعماق جامعه است که امروز از حنجره آنها و نوباوگان این جامعه نیز طنین انداز شده است. آزادی سپیده قلیان و اسماعیل بخشی، آزادی همه کسانی که به جرم دفاع از حق طلبی کارگران فولاد و هفت تپه دستگیر شدند، خواست باطل کردن همه پرونده های مهندسی شده مراکز اطلاعاتی رژیم علیه این عزیزان، خواست خاتمه یافتن به اخراج و تهدید و گرو گرفتن نان خانواده های کارگری و خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، خواست و مطالبه هر مبارزه و اعتراضی است که در گوشه و کنار این جامعه علیه فقر و بی حقوقی، علیه گرانی و اختناق، علیه نابرابری و آپارتاید جنسی و... در جریان است. این صدای یک طبقه به وسعت جامعه ایران است.

حاکمان بر ایران، اقلیتی مولتی میلیاردر و مفت خور، همراه با مشتکی خدمه و حقوق بگیر، در این دوره هر نوع تلاش و توطئه ای را علیه کارگران زندانی این دو مرکز بخرج دادند تا نه تنها فولادی

پیشینه

حزب حکمتیست (حزب رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistKhatRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

همبستگی طبقاتی، هم سرنوشتی انسانی، و اتحاد طبقاتی محرومین کرد!

جنایت تروریستی در نیوزیلند، قربانیان بی گناه آن، باید و میتواند آخرین توحش از این نوع باشد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۶ مارس ۲۰۱۹

دارند. تفکیک مردم به "مسلمان" و "غیرمسلمان"، "مسیحی" و "کافر"، فارس و کرد و ترک و عرب و بلوچ و سیاه و سفید و ... لازم است تا هم سرنوشتی طبقاتی شهروندان جهان را از دیده خود بردگان پنهان کرد! تا نفرت پراکنی و شکاف و جنگ و جدال مذهبی و قومی را جایگزین

## حمله تروریستی در نیوزیلند و کشتار مردم بیگناه محکوم است

محصول مستقیم سیاست های قدرت های حاکم در سراسر جهان است.

کشیدن دیوار جدایی، از جنس دیوار مکزیک "ترامپ"، این نماینده تکیه زده بر صندلی ریاست قدرت جهانی، که امروز در مقابل این جنایت عریان ناچارا ابراز "تاسف" میکند، تحت هر نام و بهانه ای، نمی تواند محصولاتی چون جنایت نیوزیلند نداشته باشد.

تفکیک انسانها، مردم کارکن میلیاردری در سطح جهان، که در فقر و بی حقوقی مطلق منشا تولید ثروت سرشاری هستند که جهان را اشباع کرده است، برای حفظ این نظام ضد انسانی، منشا سود و سودآوری است.

ترور نیوزیلند محصول مستقیم قدرت های حاکم، از آمریکا تا نیوزیلند و استرالیا و عربستان و اروپا و ایران و اسرائیل و .. است. قدرت هایی که برای حفظ نظام و منافع و سود و سودآوری آن، برای حفظ شرایط برده وار بهره کشی از شهروندان جهان، به این شکاف ها و تفکیک ها، همچون غذای روز نیاز

هویت کاذب قومی و ملی و ملیتی حک شده است، حمله به مهاجر و پناهنده و خارجی و سیاه و سفید و ... جنایاتی نه از سر جنون و ناآگاهی، هرچند که جانی و جانیمان مجنون و ناآگاه باشند، که محصول سیاست های روشن و آگاهانه دست راستی ترین گرایش گنبدیده قرن، از آمریکا تا اروپا، از استرالیا تا نیوزیلند و خاورمیانه و آسیا، است.

جنایت و توحش افسار گسیخته تروریستی در نیوزیلند هم، یکی دیگر از محصولات مستقیم تفکیک شهروندان هم سرنوشت جهانی به، "مسلمان" و "مسیحی"، "یهودی" و "خداناباور"، سیاه و سفید، خارجی و وطنی، پناهنده و فارس و کرد و عرب و ترک و مهاجر، بومی و خارجی و ... است.

شکاف و تفرقه و تبعیض بین مردم بر حسب اعتقادات، رنگ، نژاد، زادگاه و پیشینه قومی و ملی و مذهبی و ... تحت هر نام و به هر بهانه ای، نفرت پراکنی نسبت به انسانها بر حسب این تفاوت ها و کشیدن دیوارهای نفرت،

حمله تروریستی دیروز به مردم بیگناه در دو مسجد در نیوزیلند و قتل و کشتار قریب ۵۰ نفر و زخمی کردن دهها نفر دیگر، به هر نام و به هر بهانه ای صورت گرفته باشد، جنایتی فاشیستی عریان از سر نفرت و نژاد پرستی است. این حمله باید از طرف هر انسان آزاده ای، محکوم شود.

این جنایت و جنایات مشابه، و قربانی کردن مردم بیگناه در مسجد و کلیسا و کنیسا و پارک و رستوران و خیابان و کنسرت و .. تروریسم عیان و افسار گسیخته ای است که منشا و سرچشمه آن، همان اوباشی هستند که امروز از آمریکا تا اسرائیل، از ایران تا عربستان، از اروپا تا نیوزیلند و استرالیا و در سراسر جهان بر سرنوشت میلیاردها نفر حاکم اند.

قربانی کردن مردم بیگناهی که بر پیشانی شان مهر مذهبی "مسلمان"، "مسیحی"، "یهودی"، "کافر" و "خداناباور" خورده است و یا بر سر در خانه و کاشانه و زندگی شان، پلاک و

## نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!